info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۶۹۰
شنبه / ۲۹ دی / ۱۴۰۳
۱۷ / رجب / ۱۴۴۶
18 / January / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۲۴-۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

خوش است خلوت اگر یار یار من باشد
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد
مـن آن نگین سلیمان به هیچ نَستانم
که گاه گاه بر او دستِ اهرمن باشد

غزل

ز طور عشق همه کار عقل دیگرشد
چو آصفی که سلیمانش اهرمن باشد

نظیری نیشابوری

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۵	۰۷:۱۴	۱۲:۱۷	۱۷:۱۹	۱۷:۳۹

توکه

موفقیت زمانی لذت‌بخش است که احساس کنید مال خودتان است...

میشل اوباما

دیدگاه

ضرورتی فراموش شده!

شوریختگی در دهه‌های اخیر تغییرات متعدد و شتابان ساختار جامعه و خانواده و البته تغییرات سبک زندگی برخلاف قاعده فوق در مسیر تحلیل و تضعیف خانواده و به‌خصوص جایگاه پدر بوده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، خانواده بنیاد جامعه است و پدر ستون خانواده، این قاعده را نه تنها از ایده‌های نظریه‌پردازان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا تعلیم و تربیت و نه تنها از شواهد پژوهشی بلکه از حکم عقل سلیم نیز می‌توان دریافت. اما شوریختگی در دهه‌های اخیر تغییرات متعدد و شتابان ساختار جامعه و خانواده و البته تغییرات سبک زندگی برخلاف قاعده فوق در مسیر تحلیل و تضعیف خانواده و به‌خصوص جایگاه پدر بوده است. این ایام که به یاد امیرمومنان، وصی حضرت رسول (ص) و پدران امت سلام ا... علیهم، به شایستگی و حکمت به عنوان روز پدر نام گذاری شده و فرصتی برای دست بوسی و تکریم و حق شناسی از فرد فرد پدران خانواده‌های ایران اسلامی فراهم کرده، می‌تواند و می‌بایست نماد و زمانی برای توجه به جایگاه پدر در خانواده و احیای منزلت و اقتدار در آمبخانه با عطوفت پدرانه باشد. در آموزه‌های پر مغز دینی پدر قوام‌بخش خانواده است و دعای اولیای الهی آن بوده که جایگاه والدین در نظرشان مانند لهیب پاشدامان سخت گیر باشد که نشان دهنده اهمیت توجه به ارتقای جایگاه پدر است. هر چند متغیرها و عوامل و خُرد و کلان متعددی جایگاه ستون خیمه خانواده یعنی پدران را تضعیف می‌نماید و در مقابل چاره‌جویی‌های متعددی نیز برای این مسئله لازم است اما ضرورت دارد همسران و مادران و فرزندان در مقیاس خانواده و مسئولان و افراد موثر در مقیاس جامعه باید برای ترمیم و تحکیم جایگاه پدر دستی بجنبانند تا هویت و تحکیم روان شناختی خانواده به نقطه مطلوب خویش بازگردد.

البته در میان باورهای مشوش امروزی و برداشت‌های ناموزن و سوفسطایی که به عنوان برقری جنسیتی یا کودک محوری یا جوان گرایی مطرح می‌شود، سخن گفتن از اقتداربخشی به جایگاه پدر، غریب و عجیب به نظر می‌آید، اما هر کسی که در حقیقت تکریم بانوان و توجه به کودکان و زمینه سازی برای رشد نوجوانان و جوانان حتی دختران را می‌خواهد، لازم است بداند که بدون بازسازی جایگاه پدر هیچ کدام از آن‌ها به غایت نمی‌رسد. همچنان که هیچ کس از یک ساختمان دارای بنیاد ضعیف و پایه‌های سست انتظار جز ناایمنی و ناپیداری و ریزش و از هم پاشیدگی نمی‌تواند داشته باشد.

بدیهی است پدری که در خانواده و اطرافیانش تکریم و تعظیم نشود در هنگامه دشواری و نیاز، نه می‌تواند حامی همسر و فرزندان باشد و نه می‌تواند الگو و آموزگار استواری فرزندان برای فراز و نشیب‌های آینده زندگی باشد و بدین ترتیب چرخه تضعیف خانواده و آسیب فرد و جامعه ادامه خواهد یافت.

آداب و تشریفات تکریم والدین در پیشینه ایران و به‌خصوص در موازین اخلاقی و اجتماعی اسلام از جمله رعایت ادب در محضر پدر و دست‌بوسی از پدر و استقبال و بدرقه هنگام ورود و خروج از منزل و تکریم همه جانبه پدران در خانواده و در منظر اطرافیان نوعی آیین روان شناختی حکیمانه بوده است و اکنون نیاز با احیای آن‌ها می‌تواند به جایگاه پدر اقتدار می‌بخشد و در سایه سار این اقتدار است که بخش مهمی از امنیت و پایداری و پویایی خانواده نیز تامین و تضمین می‌شود.

همسران و فرزندان با حرمت داری در کلام و رفتار و با پرهیز از نقادی و تخریب پدر به‌خصوص پرهیز از بحث‌های بی حاصل در حضور فرزندان و از طرفی با قدرشناسی از زحمات و به رخ کشیدن شایستگی پدر می‌توانند اقتدار پدر را پاس دارند و انسجام خانواده را به ارمغان آورند.

شایسته است نوجوانان و جوانان بدانند که حرمت داری امروز برای پدر و تکریم و تعظیم نقش پدر، زیربنای افتخارات و استواری آینده آن هاست و برعکس هر گونه حرمت شکنی و کم توجهی به پدر از نظر روان شناختی و اجتماعی و البته معنوی، آسیب‌های جدی برای نسل آینده به همراه خواهد داشت.

در بعد کلان اجتماعی تامین اشتغال همراه کرامت برای پدران و تسهیل دسترسی به مسکن به عنوان بخش مهمی از مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی پدران نه تنها یک مسئلت اقتصادی بلکه یک زمینه سازی روان شناختی و تربیتی برای تکریم پدران است.

بدون تردید ارتقای جایگاه پسری در خانواده و جامعه نیازمند فرهنگ سازی و استفاده از بستر آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و بهره گیری از زبان هنر و بستر رسانه و فضای مجازی است.

به راستی چند محتوا و فعالیت متناسب با یافته‌های تحصیلی مختلف در آموزش وپرورش برای ایجاد شناخت و انگیزه و رفتار تکریم پدر وجود دارد؟ چه تعداد کتاب قصه و داستان و شعر و یا بازی رایانه‌ای برای نهادینه کردن تکریم پدر در دسترس کودکان و نوجوانان است؟ به چه میزان ازظرفیت‌های علمای گرامی‌ما و مبلغان دینی و چهره‌های ورزشی و هنری و جاذبه‌های شبکه‌های اجتماعی برای سوق دادن ذهن‌ها و قلب‌ها نسل حول به حرمت گذاری برای پدر استفاده شده است و شاید تامل در این سوالات فاصله وضع موجود و وضع مطلوب فرهنگ سازی و حساسیت آفرینی برای احیای جایگاه پدری و ترمیم استواری ستون خانواده یعنی پدر، را نمایان تر می‌سازد.

کوتاه سخن این که در بین چالش‌های مختلف زمانه، فروکاستن جایگاه پدر یکی از چالش‌های است که کمتر مورد توجهبر بوده در حالی که یکی از مهم ترین عوامل استحکام و استواری خانواده همین مساله است. بدین جهت همه کسانی که دغدغه ایرانی استوار و پویا و با ظرفیت‌های فرهنگی درورزا و مقاوم در برابر جریان‌های خانواده ستیز یا به عبارتی همه کسانی که آرزوی تعالی خانواده ایرانی و ایرانی دوست دار خانواده را دارند، می‌بایست به از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌های خُرد و کلان برای ترویج خانواده گرایی و بالمثل‌ت حریم و جایگاه پدر استفاده کنند.

شایان توجه است که تامل در جایگاه مادر و مادری نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است که مجال دیگری می‌طلبد.

سیدمحسن اصغری نکاح

گزارش روز

پزشکیان به شکلی هوشمندانه از دیپلماسی رسانه‌ای استفاده کرد

گفت‌وگوی سرافتمندانه با غرب

اگر بخواهیم دیپلماسی را به عنوان رویکرد خود انتخاب کنیم، باید از طریق گفت‌وگو و مذاکره عمل کنیم. قراری که مخالف مذاکره هستند، در واقع مخالف دیپلماسی‌اند و نمی‌توانند هیچ راحلی ارایه دهند. وقتی مخالفتی با مذاکره می‌شود باید در ازای آن آلترناتیوی ارائه داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در یک مصاحبه اختصاصی و مهم با شبکه ان‌بی‌سی آمریکا به بررسی تحولات اخیر در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران پرداخت. این مصاحبه در شرایطی انجام شده که دونالد ترامپ در آستانه ورود به کاخ سفید است و همزمان دور دوم رایزنی‌های تهران با اروپایی‌های اروپایی در روز دوشنبه و سه‌شنبه انجام شد. رد اتهامات واهی در باب دخالت‌های ایران در مورد ترور ترامپ، تمایل ایران به مذاکرات شرافتمندانه و مخالفت با هرگونه تنش‌زایی مشروط بر آنکه حاکمیت و تمامیت ارضی ایران محفوظ بماند از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگوی ایشان با این شبکه آمریکایی بود. گفتنی است پیش از انجام این مصاحبه اختصاصی برخی رسانه‌های غربی و مشخصا ایالات‌متحده با استناد به گفت‌وگوی رئیس‌جمهوری با شبکه آمریکایی در باب پیام ایشان گمانه‌زنی‌های متفاوتی را مطرح کردند. به ادعای این گروه در شرایطی که خاورمیانه درگیر معادلات پیچیده‌ای قرار دارد، همزمان سایه همکاری‌های ایدئولوژیکی اینان در روسیه، روابط تهران و غرب را در هاله‌ای از ابهام قرار داده و موضع‌گیری پزشکیان می‌تواند سیگنال مهمی باشد که با استناد بدان بتوان استراتژی احتمالی ایران در ارتباط با آمریکای تحت رهبری ترامپ را بررسی کرد.

به این بهانه با هدف واکاوی ابعاد و معنای مصاحبه اخیر آقای پزشکیان در شرایطی که رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در آستانه ورود به کاخ سفید است با حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم.

حسن بهشتی‌پور در پاسخ به سوالی در این باب که معنای انجام این گفت‌وگو در بازه زمانی کنونی برای غرب چه می‌تواند باشد، گفت: در ابتدا باید توجه داشت که به نظر می‌رسد هر یک از رسانه‌ها دیدگاه‌های خاص خود را از این مصاحبه بازتاب داده‌اند. البته که این امری طبیعی در رسانه‌هاست و هر رسانه‌ای هر آنچه خود دنبال می‌کند به مخاطب می‌رساند. در این راستا، اما نکات مهمی وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد. دلیل اینکه زمانی که چنین مصاحبه‌ای در دستور کار رئیس‌جمهور قرار دارد، ضروری است که تیم رسانه‌ای تمرکز بیشتری بر این گفت‌وگو و مصاحبه‌های مشابه داشته باشد. به باور بهشتی‌پور اهمیت این مصاحبه‌ها اگر بیشتر از مذاکره نباشد کمتر نیز نیست، چراکه دیپلماسی رسانه‌ای یکی از گزاره‌های کلیدی در مراودات میان کشورهاست که می‌تواند تاثیر بسزایی بر شکل روابط آنها داشته باشد.

بسیاری از رهبران کشورها از طریق دیپلماسی رسانه‌ای با یکدیگر تعامل کرده و پیام‌های خود را به مخاطبان هدف منتقل می‌کنند. در ادامه این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: با این حال، هر چند که باید متن کامل این گفت‌وگو منتشر شود و سپس آن را مطالعه کرد و قضاوت دقیق‌تری داشت، اما بر اساس متنی که منتشر شده است، به نظر می‌رسد جزییات بیشتری باید مورد توجه قرار گیرد و مسائل مهم و شاخص‌های تبلیغاتی که در آن مطرح می‌شود، باید با دقت بیشتری تحلیل و تعدیل شده تا از بهره‌برداری‌های تبلیغاتی توسط طرف مقابل و رسانه آن جلوگیری شود. بنابراین برای جلوگیری از این نوع بهره‌برداری‌ها، ضروری است که به جزییات بیشتری پرداخته و فکت‌های مهمی ارایه شود. ضمن اینکه اهمیت دارد که روی مصاحبه‌ها و پیش‌بینی سوالات دقت کافی داشته باشیم. البته معمولا سوال‌ها از قبل داده نمی‌شود، اما اگر هم داده شود، باید روی پاسخ‌ها به صورت دقیق کار شود. به باور بهشتی‌پور زمانی که آقای پزشکیان به سوال خبرنگار که گفت چرا تصمیم به حضور در انتخابات گرفتید پاسخ داد: به اعتقاد من باید فکت‌های آن را برای مخاطب ارایه دهیم تا طرف مقابل را در موضع انفعالی قرار دهیم و از کلی‌گویی پرهیز کنیم. کما اینکه در داخل نیز ممکن است حساسیت‌هایی به وجود بیاید، اما برای مخاطب خارجی، در زمان گفت‌وگو، ارایه فکت‌ها و استدلال‌های مستند اهمیت دارد.

بهشتی‌پور در ادامه گفت‌وگوی خود خاطرنشان کرد: نکته بعدی بحث مذاکره است که اصولا فات دیپلماسی بر پایه آن استوار است و دیپلماسی بدون مذاکره قابل تصور نیست. اگر بخواهیم دیپلماسی را به عنوان رویکرد خود انتخاب کنیم، باید از طریق گفت‌وگو و مذاکره عمل کنیم. قراری که مخالف مذاکره هستند، در واقع مخالف دیپلماسی‌اند و نمی‌توانند هیچ راحلی ارایه دهند. وقتی مخالفتی با مذاکره می‌شود باید در ازای آن آلترناتیوی ارائه داد. شاهد بودیم که در دولت آقای رئیسی، با وجود مخالفت‌ها با گفت‌وگو و مذاکره، درنهایت به این نتیجه رسیدند که رفعی جز دیپلماسی وجود ندارد و به سمت مذاکره غیرمستقیم با آمریکا رفتند. هر چند که درنهایت در آستانه نهایی شدن توافق در اسفند ماه ۱۴۰۰ بعد از مذاکراتی طولانی به این سمت رسید.

به‌باور بهشتی‌پور، آقای پزشکیان در این مصاحبه بر اهمیت گفت‌وگو و مذاکره تاکید کرده و این نکته بسیار مهمی است. ما باید با قدرت و قوت پای و هر زمان که منافع ملی ایجاب کند با کسب مجوز لازم از شورای عالی امنیت ملی وارد مذاکره با طرف‌های مختلفی شویم. هر چند که ممکن است در داخل ادعاهای تندی مطرح شود، اما مهم این است که او به درست و انتخاب کنیم و آن هم حل مشکلات از طریق گفت‌وگو و مذاکره است.

بهشتی‌پور در ادامه تاکید کرد که آقای پزشکیان در این مصاحبه روی این موضوع تاکید کرده، اما نیاز به باز شدن ابعاد بیشتری از این نوع مذاکره وجود دارد. به‌ویژه اینکه چارچوب‌های آن باید مشخص شود. سال‌های متعددی در این زمینه مطرح است. به عنوان مثال آیا بازگشت به برجام منتظر است یا توافقی متفاوت. با برجام در دستور کار است؟ اصولا هدف از این مذاکرات چه خواهد بود. لذا باید چارچوب مذاکرات و اهداف آن مشخص شود تا طرف مقابل ارزیابی دقیق‌تری از مواضع ایران و صحبت‌های رئیس‌جمهور داشته باشد.

بهشتی‌پور در ادامه هیچ‌زمان با اشاره به رایزنی‌های اخیر تهران با سه کشور اروپایی تاکید کرد که مقامات رسما اعلام کردند مذاکرات ژنو به صورت باز انجام شده و این به معنای آن است که گاردِ طرف مقابل بسته نبوده و گفت‌وگوها به صورت انعطاف‌پذیر انجام می‌شود. با این همه اما درنهایت، باید منتظر ماند تا ببینیم طی روزهای آینده، همزمان با ورود آقای ترامپ به کاخ سفید و تحولات متعاقب، چه اتفاقاتی رخ خواهد داد.

مکث

تیغ فناوری زیر گلوی خلاقیت!

فضای مجازی، شیوه زندگی و راحل‌های شخصی‌سازی شده افراد را هدف گرفته است؛ گویی زندگی همه ما با ساختاری مشابه دنبال می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند، پیام‌ها و واکنش‌های یکسان، بدون خلاقیت و وام گرفته از مکالمات مجازی مستمر اصحیت از تمام مکالمات و محتوای منتشرشده در گروه‌های مجازی‌ست. از خواص میوه‌ها و سبزی‌ها گرفته تا خاندانقلبی بایدن از کاخ سفید. حالا دیگر شبکه‌های اجتماعی مجال تولیدمحتوا و تازگی نمی‌دهند؛ پیام‌هایی که صرفا تیتر آن‌ها خوانده و بین هزاران کاربر آشنا و غریبه صد به صدت می‌شوند. فناوری ای که روزگاری قرار بود، راهی برای به اشتراک گذاشتن خلاقیت و نوآوری بشریت باشد. حالا مدتهاست گرفتار کاربران منفعلی شده که چیزی جز ارسال پیام‌به خاطر نداشتن یا کاربرانی با غرق شدن در فضای مجازی، خلاقیت را قربانی کردند. در این گزارش نگاهی داریم به تاثیر فضای مجازی بر خلاقیت و نوآوری کاربران که در ادامه می‌خوانید.

مخاطب مصرف‌گرا کیست؟

مخاطبان مصرف‌گرا آن دسته از مخاطبانی هستند که نه تنها در ایجاد پیام‌های مناسب در فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی نقشی ندارند، بلکه در مواجهه با آن‌ها نیز عاری از تفکر انتقادی هستند؛ یعنی به شبکه‌های اجتماعی نگاهی منبع‌گونه دارند و صرف قرار گرفتن اطلاعات در این فضا، نشان‌گر ارزش و درستی آن را می‌دانند؛ فارغ از آنکه آن محتوا چیست و چقدر صحت دارد. تنها کار مخاطب مصرف‌گرا در فضای مجازی، انتقال پیام از تولیدکننده آن به دیگر مخاطبان است که اغلب به‌صورت مقلدانه و بدون بررسی است و به «کیی‌برداری کورکورانه» مشهور است. کیی‌برداری کورکورانه در مسائل مختلفی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، کیی‌برداری‌های کورکورانه در اخبار بسیار رایج است که اغلب به شایعات منجر می‌شوند. یکی از حوزه‌هایی که به‌شدت با این موضوع دست‌وپنجه نرم می‌کند، حوزه پزشکی است. در حال حاضر در شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام انبوهی از اطلاعات پزشکی ارائه می‌شود که مخاطبان آن می‌توانند در برخورد با آن تأمل داشته باشند و دست به بررسی آن بزنند یا اینکه بدون هیچ‌گونه بررسی و تحقیقی آن را پذیرفته و نشر دهند. یکی دیگر از نشانه‌های رفتار مصرف‌گرا در فضای مجازی، در سبک زندگی افراد خود را نشان می‌دهد. فضای مجازی مثل‌های متنوعی از رفتار را در اختیار ما قرار می‌دهد. اگر ما عادت به مصرف‌گرایی در فضای مجازی و معتقد باشیم که در فضای مجازی هرچه پیش آید، خوش آید، هر رفتاری را شیرین می‌بینیم، اگر آن را زیبایی می‌کنیم و می‌پذیریم، نخنما آن را می‌پذیریم که با فراتر گذاشته آن رفتار را انجام می‌دهیم.

آسیب‌های رفتار مصرف‌گرا

گم‌شدن واقعیت اولین آسیب این پدیده یعنی مصرف‌گرایی و انفعال در برابر موج اطلاعات در فضای مجازی. گم‌شدن واقعیت است. وقتی تمامی اطلاعات بدون هیچ کم و کاستی و بدون اینکه به درستی یا نادرستی آن پی برده شود، انتشار پیدا کند، فروکفع هم اطلاعات درست و هم اطلاعات غلط در سطح وسیعی پخش شود آن‌وقت ما در برابر سیل عظیمی از تضادها قرار می‌گیریم و پیدا کردن حقیقت و درستی در میان آن‌ها بسیار مشکل می‌شود. فقدان رژیم مصرف. آسیب دیگری که مصرف‌گرایی به همراه خواهد داشت، فقدان رژیم مصرف مناسب است. زمانی که کاربران در فضای مجازی به استقبال همه پیام‌ها و اطلاعات بروند، نوعی آشفتگی برایشان به وجود می‌آید؛ درواقع، به جای اینکه آن‌ها انتخاب کنند که از کجا اطلاعات را دریافت کنند و اصلاً با چه اطلاعاتی روبه‌رو شوند، اطلاعات هستند که آن‌ها را انتخاب می‌کنند و حق انتخاب را از آن‌ها می‌گیرند. مصرف‌گرای صرف بودن به‌تدریج روحیه مصرف‌گرایی را نیز در فرد نهادینه می‌کند؛ یعنی فرد پس از مدتی بدون اینکه بفهمد در میان انبوهی از اطلاعات قرار می‌گیرد که هیچ منبع و پشتوانه‌ای ندارد.

تیغ دولبه فضای مجازی

معصومه نصیری، دبیر کل باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای بیونسکوی ایران، به «شهروند» می‌گوید: «برای فضای مجازی دو حالت متصور نیم؛ یعنی این اتفاق هم مسبب افزایش و هم باعث کاهش خلاقیت است. چرا که برخی، بر این باور هستند که فضاهای برخط باعث شدند که خلاقیت در افراد از بین برود به جهت اینکه کاربران جست‌وجو می‌کنند و از خود تفکر مستقلی برای طراحی ایده‌ها ندارند؛ حتی به بیان دیگر می‌توان گفت به دلیل ایجاد رقابت میان کاربران، خود به عامل مهم و برجسته‌ای برای ایجاد ورشد خلاقیت تبدیل شده است.»

نگذاریم ایده‌های خوب قربانی شوند!

نصیری ادامه می‌دهد: «افرادی که خلاق هستند تفاوتی ندارد این خلاقیت را در چه بستری بروز دهند؛ چه حقیقی و چه مجازی به هیچ عنوان نوآوری در افراد خلاق از بین نمی‌رود. این مهم به شرطی محقق خواهد شد که ما به سمت مصرف‌کننده صرف بودن در فضای شبکه‌های اجتماعی نرویم و بکوشیم تا حرفی برای گفتن داشته باشیم. تا از فضای تحمیلی و دیکته شده شبکه‌های اجتماعی خارج شویم. در این مرحله مخاطب دچار تنبلی یا فرسودگی ذهن می‌شود پس چاره در دنبال کردن افراد خلاق و محتواهای تازه است. هرچقدر ذهن و اتمسفر شبکه‌های اجتماعی‌مان را به سمت محتوای خلاقانه، نو و دست نخورده هدایت کنیم، درصد موفقیت بالاتر می‌رود. دنبال کردن برخی از بلاگرهایی که محتوایی با موضوعات ترفند و خلاقیت منتشر می‌کنند می‌تواند به طور همزمان معایب و مزایایی از خود بروز دهد؛ اینکه برخی دنبال‌کنندگان و افراد عادی با وجود خلاق بودن و اجرای ایده‌های منحصر به فرد فضا و امکانی برای نمایش و انتشار ایده‌های خود پیدا نکنند، می‌تواند در ادامه باعث ناامیدی و مرارد آن‌ها شود.»

چه باید کرد؟

دبیر کل باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای بیونسکوی ایران در ادامه تاکید می‌کند: «وقتی به عنوان دنبال‌کنندگان و کاربران شبکه‌های اجتماعی توجه و تمرکزمان را به سمت افرادی ببریم که از فضای مجازی برای تولید محتوای خلاقانه بهره می‌برند و در ادامه برای محتواهای آن‌ها کنشگرانه رفتار کنیم؛ افراد خلاق را تشویق و ترغیب کنیم برای اینکه بهتر و بیشتر در این فضا بروز و ظهور پیدا بکنند. درواقع منفعلانه و بی‌تفاوت رفتار نکرده‌ایم. مانیاز داریم به اینکه محتواهای فاخر، خلاقانه و مبتنی بر گزاره‌های درست را تشویق کرده و مورد توجه قرار دهیم.»

لذت نماز و منحصر به فرد بودن!

بریل بیتربریج، روانشناس و مولف می‌گوید: «هر آدمی دانش می‌خواهد متحیر به فرد باشد و احساس کند که چیزی فقط متعلق به اوست. به محض اینکه افراد بیشتری درمورد گروه موسیقی راک یا رایانایا یا هر چیز دیگری صحبت کنند، آدم کمتر احساس خاص بودن می‌کند». وقتی نوبت به اشتراک‌گذاشتن توصیه‌ها در فضای آنلاین دربارهٔ چیزهایی که عمیقاً و شخصاً بهشان می‌رسد، ممکن است دچار سردرگمی شویم؛ اگر انگورتپه‌ها به آن‌ها دست پیدا کنند، احتمالا به میلیون‌ها نفر نشان داده می‌شوند و ادعای شخصی شما دربارهٔ چیزی که دوست دارید دیگر اعتباری نخواهد داشت. یک دفعه بینید افراد زیادی جلوی رستوران خاصی صف کشیده‌اند یا آثار یک موسیقی‌دان در رسانه‌های اجتماعی به سرعت دست به دست می‌شود؟

اینترنت جایی برای جارزدن اطلاعات شخصی نیست!

فرهنگ توصیه کردن هنوز تا حد زیادی بر کارآمدی متمرکز است. ما می‌خواهیم بهترین چیزها را مصرف کنیم؛ بهترین عادت‌ها را توسعه دهیم و از بهترین مکان‌ها بازدید کنیم. با این حال، تأکید بیش از حد بر کارآمدی، چه به‌صورت انگورتپهی و چه به‌صورت طبیعی، مانع شکل‌گیری درک عمیق‌تری از سلیقه است. «روزآمدی» اخیراً در فضای آنلاین معنای جدید و متفاوتی پیدا کرده است و به فردی گفته می‌شود که علاقه‌ای به توصیه کردن ندارد. «روزآمدی» یعنی اطلاعات شخصی‌تان را برای خودتان نگه دارید و در هزارتوی اینترنت جار نزنید. در مقاله‌های دیگر که اخیراً بحث‌های زیادی برانگیخته، طراح و هنرمندی به نام رویی جاسنیس تلوت آدم‌های دروازه‌بان را ستایش کرده و گفته «این جور آدم‌ها دیواری می‌سازند که فرد مشتاق یا خوشحالی از روی آن می‌پرد.» اما «منع آدم‌های مدعی و سطحی» است. به عبارت دیگر، «روزآمدی» یعنی آدم‌ها نتوانند بدراحتی چیزهایی را که توصیه می‌شود، تجربه کنند، مگر اینکه تلاش کنند. چیزهای معمولی را خیلی راحت می‌توان توصیه کرد اما شاید آنچه قلبا دوستش دارید و برایتان مهم است، باید کمی از دیگران دریغ کنید، هرچند این برخلاف فشارهای فضای آنلاین به نظر برسد. لذت و نیز فشار و استرس زیاد را عامل مصرف داروهای شب‌امتحانی می‌داند.

برش

پیروز جنگ اراده‌ها

جنگی که در ۱۵ ماه رخ داد گُمبرد (اراده‌ها) بود و بی‌سابقه‌ترین و بی‌قاعده‌ترین بمباران دهه‌های اخیر در باریکه‌ای ۴۶۵ کیلومتری انجام گرفت که هدفش شکستن اراده حماس و مردم غزه بود؛ اسرائیل بارها تلاش کرد مردم این باریکه را به مصر کوچ دهد اما نتوانست و همزمان این مردم از مقاومت نهایت پشتیبانی را انجام دادند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، بعد از ضربه تاریخی و بی‌سابقه ۷ اکتبر بر پیکره رژیم صهیونیستی که یک شکست کامل و تمام عیار برای نتانیاهو بود، او و دولتش تصمیم گرفتند به هر قیمتی اهدافی که تعیین کرده بودند را محقق کنند. این اهداف عبارت بود از نابودی کامل حماس، اشغال و کنترل تمام نوار غزه، آزادسازی اُسرا، استقرار یک دولت وابسته به اسرائیل در غزه و حتی ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین در این باریکه.

نتانیاهو هر گونه عقب‌نشینی از این اهداف را رد می‌نمود و بیش از ۱۵ ماه با هر ابزاری که در اختیار داشت برای تحقق آن کوشید.

در مقابل حماس اهدافی داشت که برخی از آنها برشمرده می‌شود: آزادی اُسرای فلسطینی، برهم زدن توافق سعودی و اسرائیل، اشتغال از اسرائیل بابت تجاوزات به مسجدالاقصی و جلوگیری از به محاق رفتن مسئله فلسطین در جهان اسلام.

اما جنگی که در ۱۵ ماه رخ داد "گُمبرد (اراده)" ها بود و بی‌سابقه‌ترین و بی‌قاعده‌ترین بمباران دهه‌های اخیر در باریکه‌ای ۴۶۵ کیلومتری انجام گرفت که هدفش شکستن اراده حماس و مردم غزه، بود. اسرائیل بارها تلاش کرد مردم این باریکه را به مصر کوچ دهد اما نتوانست و همزمان این مردم از مقاومت نهایت پشتیبانی را انجام دادند.

مقامات اسرائیل رسما نزدیک به ۹۰۰ کشته و بیش از ۱۰ هزار زخمی طی این جنگ نابرابر را اعتراف می‌کنند در حالی که آمار واقعی بسیار بالاتر از این اعداد ارزیابی می‌گردد.

حماس تا روزهای آخر به مقاومت، تلفات گیری از اسرائیلی‌ها و شلیک راکت به علاقه غزه و حتی تل‌آویو ادامه داد و می‌توریدد اگر نتانیاهو می‌توانست نتیجه‌ای جز این را رقم بزند و فید، بنابلوری مبارزان فلسطینی داشت این نتیجه را نمی‌پذیرفت. نتیجه آتش بس کنونی بدون تردید یک پیروزی برای حماس است به دلایلی که در زیر می‌آید.

۱) کنترل کامل حماس بر باریکه غزه اهداف یافت؛ دنیا فراموش نخواهد کرد که آمریکا و اسرائیل بارها در مورد اداره غزه پس از جنگ سخن گفتند و نام گروه‌ها و اشخاصی مانند دحلان، رائیز مطرح کردند اما در نهایت مجبور به متارکه با حماس شدند و او را همچنان به رسمیت شناختند.

۲) طبیعی است که توان نظامی حماس در طول جنگ آسیب دیده باشد اما این توان، بازیابی و بازسازی شده و مجددا آماده و رویارویی‌های بعدی خواهد بود؛ حتی در طول جنگ کنونی تولید تسلیحات حماس متوقف نشد و شلیک راکت به اراضی اشغالی تا آخرین روزها ادامه داشت.

۳) اسرائیل متعهد شد در ازای آزادی اُسرای باقیمانده خود، تعداد زیادی از مبارزان فلسطینی (آزاد کند؛ از جمله ۲۵۰ مبارز که حکم حبس ابد داشتند؛ در صورتی که نتانیاهو در طول جنگ اعلام کرد هیچگاه زیر بار متارکه و تبادل اسرا نخواهد رفت.

۴) در طول جنگ حزب‌الله برای همین آتش بس جبهه شمال فلسطین را شعله‌ور ساخت و شهدای زیادی را تقدیم کرد. اسرائیل آتش‌بس را نمی‌پذیرفت و وارد یک جنگ تمام عیار با مقاومت لبنان شد که حتی شهادت سید حسن نصرالله را هر پی داشت.

یعنی آتش‌بس در غزه و حفظ حماس تا این حد برای محور مقاومت ارزشمند بود و این هدف اکنون محقق شده است.

۵) توان اثباری حماس و جهاد اسلامی همچنان علیه اسرائیل وجود دارد و این آتش‌بس که ناشی است، فرصتی به وجود خواهد آورد که مقاومت بار دیگر تجهیز و تقویت شود و خود را برای ضربات بعدی به رژیم صهیونیستی آماده سازد.

۶) اسرائیل از محور نتساریم و کریدور فیلادلفیا عقب‌نشینی خواهد کرد و این به معنای عقب‌نشینی کامل و شکست طرح اشغال غزه است.

۷) البته شاید عده‌ای بگویند اسرائیل غزه را ویران کرده است؛ بله، ویران کردن زیرساخت‌ها نشانه پیروزی نیست بلکه آن طرفی که در نهایت ابتکار عمل را در زمین برعهده دارد، پیروز نبرد است؛ آمریکا هم ۲۰ سال در ویتنام جنگید و آن را ویران ساخت اما در نهایت عقب نشینی کرد و در شکست این دولت در برابر ویت کنگ اختلاف نظری بین محققان و تحلیلگران وجود ندارد.

بدون اغراق تصریح می شود که اسرائیل نتوانست انتقام ضربه ۷ اکتبر را بگیرد و تهدید در نوار غزه را از بین ببرد.

در پایان لازم به ذکر است که اسرائیل هم در تاکتیک و هم در راهبرد در غزه شکست خورد و نتوانست سازمان رزم حماس را نابود سازد. در این باریکه باقی بماند و اسرای خود را آزاد کند و در نهایت مجبور شد شروط کلی حماس را بپذیرد. این پیروزی اثرات بزرگی را بر جامعه فلسطین و جبهه داخلی اسرائیل خواهد داشت زیرا نتانیاهو قول داده بود کاری خواهد کرد که دیگر ۷ اکتبری تکرار نشود. اما آیا امروز می‌تواند چنین تضمینی دهد؟

علیرضا نقوی‌نیا
کارشناس مسائل غرب آسیا

مهم‌ترین مسیرهای مهاجرت در جهان

مسیرهای آبی: مهاجرت‌های اقتصادی و دائمی

هند به آمریکا	(اقتصادی و تحصیلی)	۳/۵ میلیون نفر
مکزیک به آمریکا	(کارگری، شغلی)	۱۰/۹ میلیون نفر
چین به آمریکا	(اقتصادی و تحصیلی)	۲/۸ میلیون نفر

مسیرهای قرمز: جابه‌جایی آوارگان و پناهندگان

سوریه به ترکیه	(آوارگان، جنگ داخلی سوریه)	۳/۸ میلیون نفر
اوکراین به لهستان	(درگیری‌های اوکراین)	۳/۷ میلیون نفر
افغانستان به ایران	(دائمی، شغلی)	۲/۶ میلیون نفر

ISNA